

جامعه

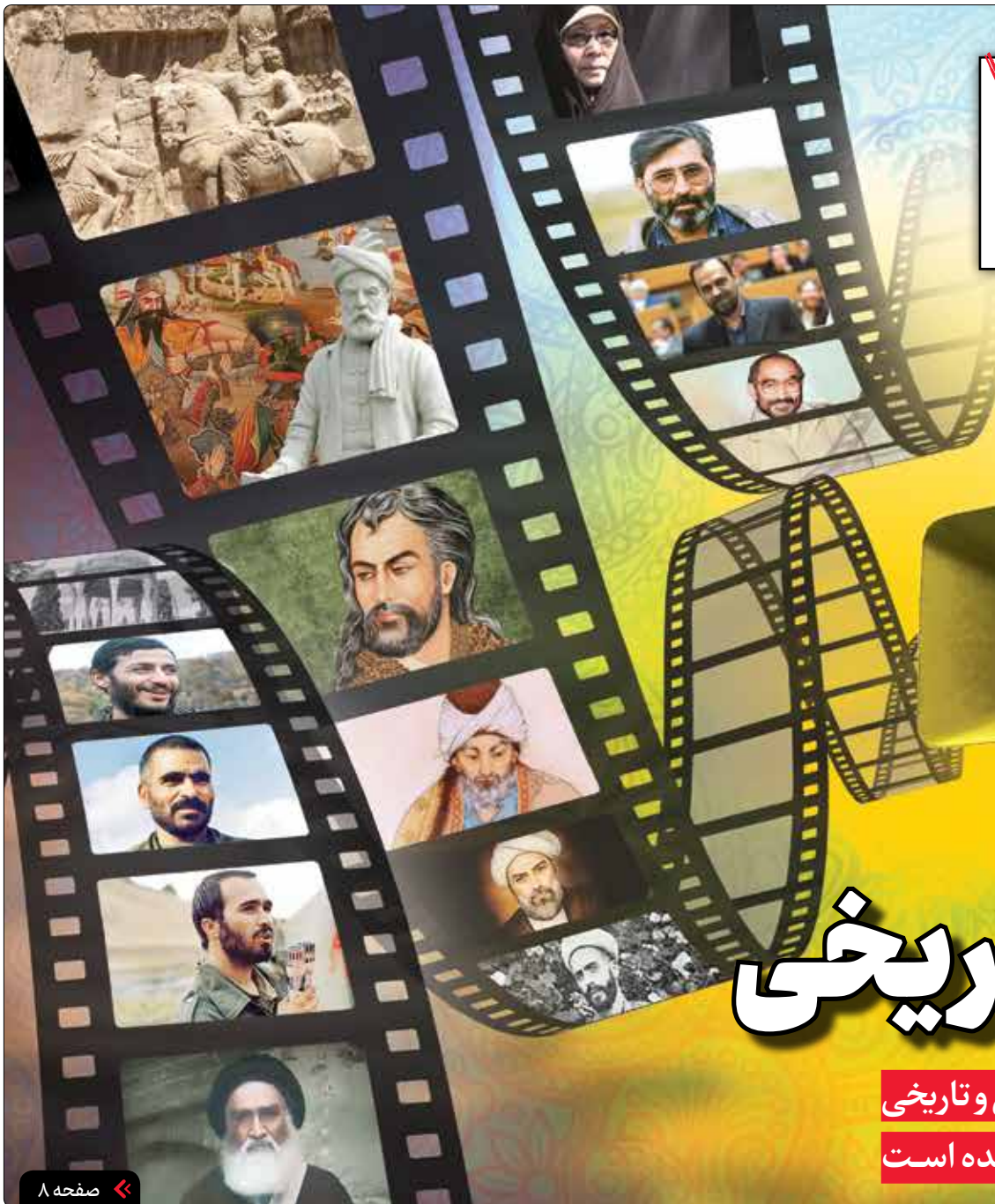
فرهنگی ویژه

هنر و رسانه

غفلت از شخصیت‌های تاریخی

رهبر معظم انقلاب همواره درباره بهره‌برداری از ظرفیت تبیینی چهره‌های انقلابی و تاریخی

و ضرورت معرفی آنها در تولیدات هنری تاکید دارند که تاکنون به آن عمل نشده است



صفحه ۸

نفوذ فرهنگی، دائم از ما قربانی می‌گیرد

در گفت‌وگو با علیرضا سربخش، جانباز به بررسی نفوذ فرهنگی، ریشه‌ها و خطرات آن پرداخته‌ایم



۱۰۱

ماجراجویی با یک بیگانه

سریال کانادایی «پایان‌گونه‌ها» در فضایی علمی-تخیلی تجربه‌های تازه‌ای برای نوجوانان می‌سازد



۲۱

زندگی پس از زندگی بازگشت به فطرت بشر

نگاهی به مفهوم اصلی یک برنامه پرتعداد تلویزیونی که در شب‌های پاییزی بار دیگر همراه مخاطبان شده است



۶۱

دوشنبه‌نویشته‌ها

نبض سازمان سینمایی کند می‌زند!!



محمدرضا فیهیم منتقد سینما

وضع مالی و معیشت قاطبه سینماگران خوب نیست، حتی برخی اصرار دارند که غیر از تعدادی تهیه‌کننده و بازیگر چهره، اوضاع بقیه در مرز فاجعه قرار دارد. بازیگران مکمل و فعالان فنی پشت صحنه با کم و کسری‌های زیادی اعم از نداشتن پشتیبانی صنفی و بیمه تا بیکاری دست و پنجه نرم می‌کنند. این گروه از سینماگران هرازگاهی هم که وارد پروژه‌ای می‌شوند، در گرفتن دستمزدها با پیرویه فرسایشی روبرو هستند تا حدی که در موارد زیادی از خیر آن می‌گذرند. تهیه‌کنندگان غالباً به تعهدات خود عمل نمی‌کنند یا در پرداخت‌ها این قدر زمان‌کشی می‌کنند تا مورد قرارداد شامل تورم و بی‌ارزشی می‌شود، آن هم در شرایطی که این سینماگران باید دائماً خجالت‌زده و مودور و شرمند خانواده باشند. اگر کسی منکر اوضاع اقتصادی فلج‌باری از اهالی خانواده سینما باشد یا می‌داند و خود را به ندیدن زده است یا نمی‌داند که در این صورت عضو تحمیلی این خانواده محسوب می‌شود. در چنین وضعی سه ماه از شروع تغییرات عرصه فرهنگی، من جمله حوزه سینما می‌گذرد. در این مدت و در نشست و برخاست‌های مختلف تنها حرف و سخنی که مطرح نظر هیچ‌کس نیست، اوضاع اقتصادی فعالان تولید فیلم است. متأسفانه در جلسات مختلف تودیع و معارفه و نصب و انتصاب‌ها درباره همه چیز سخن‌ها ایراد می‌شود جز این که کسی نطق و طرح و برنامه‌ای پیرامون وضعیت معیشت اعضای صنف مختلف سینمایی انجام دهد. حتی نشست‌های دور و بر خانه سینما هم خالی از خواسته‌های اقتصادی اعضای وابسته و پیوسته اصناف طی می‌شود، حالا در نظر بگیرد که گروهی اساساً رابطه جدی و فعالی با خانه سینما ندارند. اینان که دست‌شان به هیچ‌جا بند نیست، مثلاً از ابتدای‌ترین مطالبه مانند بیمه محروم هستند. حالا مطالبات بحق دیگری مانند مسکن و بیمارستان و دیگر امکانات رفاهی و... در مخیله هیچ‌کدام‌شان نمی‌گنجد. وضعیت و توزیع بودجه سازمان‌های زیرمجموعه سازمان سینمایی در هاله‌ای از ابهام است. هیچ چیزی شفاف نیست. سینماگران نمی‌دانند چه عواملی در تصویب طرح‌هایشان موثر است. یک جور جو بی‌اعتمادی نسبت به پرداخت‌ها وجود دارد. همه‌ای بی‌عدالتی می‌نالند زیر زانی‌اند چرایکی واجد دریافت بودجه‌های میلیاردی می‌شود و انبوهی دیگر باید کفش آهنی به پا کنند و آخر هم دست‌از پا درازتر شب را با چه کم‌چه کم به صبح برسانند و... ولی در این اوضاع و وضعیت مهم‌ترین بازوی حمایتی سازمان سینمایی، یعنی فارابی‌پس از جشنواره کودک عملاً تعطیل شده است. نهادها و ارگان‌های دیگر حامی سینما در گرایش تولید، چشم به تغییر و تحولات سازمان سینمایی دوخته‌اند و منتظرند تا تکلیف مدیران بخش‌های مختلف مشخص شود. تغییرات و جابه‌جایی‌هایی هم که بارنیم‌کننده سروسامان می‌یابد. البته مدیریت جدید در زمینه اکران فیلم‌های بلند و جدول نمایش، شانس آورده‌اند که روال خوبی بی‌ریخته شده چنان‌که شاهدیم گیشه سینماهای سطح کشور و خصوصاً تهران از تنوع‌گونه و دسته‌بندی خوبی برخوردار است، به‌طوری که هرکسی با هر سلیقه و ذائقه‌ای چنانچه تصمیم به سینما رفتن بگیرد به مقصد خود می‌رسد. الان همه جور فیلمی درحال اکران است، از طنز تا کمدی، از درام‌های تلخ تا کمدی‌های عاشقانه، از ملودرام تا ترازیک و... آثاری هستند که پرده‌ها را به اشغال خود در آورده‌اند. در واقع در یک دهه اخیر با چنین تنوعی در گیشه روبرو نبوده‌ایم، وضعیتی که بی‌تردید ظرفیت سینمای ایران را نشان می‌دهد و... اما با وجود وضعیت مطلوب گیشه، نیروی انسانی تولید در سینما نیازمند توجه بیشتر و جدی‌تر است. نیرویی که همواره اعتبار این سینما بوده و هست. کم‌توجهی و بعضاً بی‌توجهی به وضعیت معیشت اهالی سینما در کوتاه و بلند مدت تبعات سنگینی در پی دارد، بنابراین در عهده دلسوزان سازمان سینمایی و خانه سینماست که بر این جنبه از وظایف‌شان جدی‌تر متمرکز شوند.

زاویه‌نگاه

به عقب برمی‌گردید؟

محورهای گوناگون سخنان رهبری درباره نگرش به جایگاه کنونی ایران در گفتمان نظم نوین جهانی قابلیت بازخوانی گسترده دارد



تجربه تاریخی ما شدند!

پرسش این است آیا به عقب بازمی‌گردید؟ یعنی ما به عقب بازمی‌گردیم؟ ما به معنی چه کسانی؟ آیا بدیهی است مومنان خالص خدا فرمان خداوندگار را پیش می‌برند و به عقب بازمی‌گردند. اما افراد، طبقات و اقشار کل ملت، حکومت‌گران، احزاب و دسته‌ها و جناح‌ها و جبهه‌ها هر یک بر حسب عبودیت و ایمان و عقل و صدق و منافق و تزلزل و نهان‌روشی و این‌الوقت بودن خود عمل می‌کنند. در تجربه تاریخی از بازگشت کل یک‌امت پس از قائد و امام الهی‌شان تا بازگشت کل دستگاه حکومتی و تاجدایی و توقف دسته‌وگروه و باافراد معتبری... سابقه دارد.

بازتاب راه‌منافقی از یهودیت سامری تا سلطنت اموی

غیبت موقت حضرت موسی (ع) همگان را به بت‌پرستی و دنباله‌روی از سامری و... و بازگشت به عقب کشاند. این در حقیقت درس بزرگ قرآن حکیم بود برای امت پیامبر خاتم (ص). اما متأسفانه با وجود هشدار خداوند در امت اسلام پس از شهادت رحلت‌گونه رسول ا... اتفاق سامری به شکل منافقانه‌ای رخ داد. وصایای الهی او زیر پا نهاده شد، ولایت الهی ندیده گرفته شد و خلافت بالاخره طبق گفتار روشن امیرالمومنین (ع) از جایگاه برحقش جدا و نتیجه‌اش پس از فراز و نشیب‌هایی به ارتجاعی‌ترین شکل ممکن نشانه بازگشت به عقب شد. یعنی به سلطنت موروثی اموی و عباسی بدل شد و... و اشغال جایگاه پیامبر خدا به وسیله فاسدترین جریان موجود رخ داد که به وسیله یهودیت سامری و نهان‌شده در پشت مسیحیت رومی و باستان‌گرایی آتش‌پرست محقق گشت، کسانی که به عنوان

بردگی نوی استعماری در عصر معاصر

در تاریخ معاصر هم انقلاب‌های مختلف گواه امکان این بازگشت به عقب و کنش ارتجاعی یک دستگاه حکومتی و انفعال یک ملت یا همسویی مردم جاهل و فریب‌خورده و پیدایش فاجعه باورنکردنی است. مصر و دگرذیبی حکومت ناصر به حکومت انور سادات یک نمونه است. عربستان و حاکم شدن وهابیت، طور دیگری است. کودتای رضاخانی و فرزندش در بازگشت ارتجاعی به سلطه غرب و استبداد از مشروطه و استقلال و شکست جنبش ملی و بازگشت به بردگی نوی استعماری پس از مصدق و حاکمیت کنسرسیوم نمونه دیگری است. بازگشت ارتجاعی پس از تکه‌پاره‌کردن امپراتوری عثمانی و تا افتادن در دام سکولاریسم وابسته و ارتجاعی و ناتوانی و بردگی مدرن و روابط پنهان با بدترین دشمن اسلام صهیونیسم و اسرائیل تجربه دیگری است. همه این تجربه‌های متنوع با نقطه اشتراک واحد و تنوع شکلی امروز در سخن داهیانه رهبر بزرگ و الهی ایران هشدار می‌دهد که ما به معنی آن است که آیا به عقب بازمی‌گردید؟ برای ما به عقب یعنی چه و چه معنایی دارد؟

بازگشت ارتجاعی

به عقب بازگشتن در کلام مشعشع رهبری یعنی بازگشت ارتجاعی به وضعیت قبل از انقلاب اسلامی. قبل از انقلاب اسلامی یعنی چه؟ به سلطنت بهلولی؟ این ابتدایی‌ترین و مضحک‌ترین درک از بازگشت به عقب ماست. باید ببینیم معنای حقیقی بازگشت به عقب در اوضاع کنونی چیست؟ برای این معرفت باید ببینیم انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی (ره) و امام‌خامنه‌ای چه برش‌هایی پدید آورد که ترک آن دستامنده‌به معنی بازگشت ارتجاعی است. امروز چه عوامل و بت‌پرستی‌ها و نیروهای درون و بیرون ایران خواهان این بازگشت هستند. اولین دستاورد انقلاب اسلامی، برافراشتن پرچم توحید در جهان کفرزده و تحت سیطره مدرنیته دنیاگرا و شیطانی و مستکبر و فرعون‌ی غرب‌وشرق بود. جریان‌های ارتجاعی ایران دنباله‌روی کفر جهانی از نهضت احیای دینی و بیداری اسلامی بسیار ناراضی و همه جناح‌های متحدش خواستار پایان دادن به این بیداری توحیدی و مقاومت برابر کفر مدرن و بت‌پرستی مدرن و بازگشت به گذشته هستند. نظامی مبتنی بر توحید و اسلام دستاورد بزرگ جمهوری انقلاب اسلامی است. تأسیس نظام مردم‌سالاری دینی، شکست ایده سرپرستی و سلطه کفر را به ملل مسلمان نمی‌دهد. می‌شود. و همه جهان و قدرت جهانی کفر خواهان نفی این رخداد عظیم هستند.

دومین دستاورد انقلاب اسلامی عدم‌پذیرش سلطه کفر و جهان دوقطبی یا تک‌قطبی و نظام سرمایه‌سالاری بین‌المللی و مبتنی بر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و دفاع از حق استقلال حقیقی بود و به‌ویژه مبتنی بر فرمان قرآن بوده که اجازه سرپرستی و سلطه کفر را به ملل مسلمان نمی‌دهد. جهان سلطه کره ارض را به جهان پیرامونی و جهان کانونی تقسیم کرده و به کشورهای زیر سلطه اجازه حرکت و نفی سلطه نمی‌دهد. پس جنبه ارتجاعی دیگر بازگشت به شرایط کشور پیرامونی و آویران به ساختار کانونی است. ظلم‌ستیزی و جنبش ضداستعماری و گریز از پیمان‌نامه‌های مروج انواع فساد و ضدیت با ارزش‌های اسلام در عرصه اقتصاد و سیاست و فرهنگ دستاورد مهم دیگری است که جریان ارتجاع جهانی خواهان پایان دادن به آن است. تفرقه‌اندازی ارتجاع جهانی بین مردم مسلمان و کشورهای جهانی برای حفظ سلطه ظالمانه سرمایه صهیونی بین‌المللی از دیگر اموری است که اتحاد و پیوستگی امت اسلامی و شعار انقلاب اسلامی مانع آن شده است. عدالت‌خواهی اجتماعی انقلاب اسلامی و قانون اساسی یک زخم بر پیکره مناسبات ضدانسانی نظام جهانی است که مثل خاری در چشم فرعونیت سرمایه‌سالاری فرو می‌رود و مردم جهان را به دادخواهی و عدالت‌طلبی تحریک می‌کند و این هم امری است که ارتجاع خواهان نفی و بازگشت به عقب است.



متن کامل